

بررسی نسبت میان فلسفه اخلاق اسلامی و نظریه‌های نوین ارتباطات میان‌فردی

محسن اندیشه ورز^۱

^۱ گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران

چکیده

رابطه میان اخلاق و ارتباطات میان‌فردی از بنیادی‌ترین مسائل در علوم انسانی معاصر است؛ زیرا هر الگوی ارتباطی، خواه‌ناخواه بر پیش‌فرض‌هایی درباره انسان، حقیقت، مسئولیت، خیر، آزادی، کرامت و چگونگی مواجهه با دیگری استوار است. در جهان جدید، نظریه‌های نوین ارتباطات میان‌فردی عموماً با تکیه بر روان‌شناسی اجتماعی، زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی، پدیدارشناسی و نظریه‌های انتقادی، به تحلیل فرایندهای تعامل، گفت‌وگو، همدلی، هویت، خودافشایی، مدیریت تعارض و کنش ارتباطی پرداخته‌اند. در مقابل، در سنت اسلامی، فلسفه اخلاق با تمرکز بر مفاهیمی چون فضیلت، نیت، عدالت، صدق، امانت، حیا، رحمت، حکمت، مسئولیت و کرامت انسانی، چارچوبی هنجاری و غایت‌مدار برای تنظیم رفتار فردی و اجتماعی عرضه می‌کند. مسئله اصلی این پژوهش آن است که نسبت میان این دو حوزه چیست و آیا می‌توان از رهگذر گفت‌وگوی میان‌حوزه‌ای، الگویی تلفیقی برای اخلاق ارتباطی در زیست‌جهان معاصر به دست داد؟ این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، نخست مبانی فلسفه اخلاق اسلامی را از خلال آثار فارابی، ابن‌مسکویه، غزالی، خواجه نصیرالدین طوسی، ملاصدرا، علامه طباطبایی و متفکران معاصر بررسی می‌کند؛ سپس مهم‌ترین مؤلفه‌های نظریه‌های نوین ارتباطات میان‌فردی همچون کنش ارتباطی، ارتباط مبتنی بر همدلی، خودافشایی، نظریه کاهش عدم قطعیت، نظریه نفوذ اجتماعی، رویکرد گفت‌وگویی و اخلاق مراقبت را بازخوانی می‌نماید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میان فلسفه اخلاق اسلامی و بخش مهمی از نظریه‌های نوین ارتباطات میان‌فردی، هم‌پوشانی‌های قابل توجهی در ساحت‌های انسان‌شناختی و هنجاری وجود دارد؛ از جمله در تأکید بر کرامت انسانی، مسئولیت در قبال دیگری، اهمیت صداقت، نقش اعتماد، ضرورت اعتدال و پرهیز از خشونت زبانی. با این حال، تفاوت‌های بنیادینی نیز مشاهده می‌شود؛ از جمله در مبنای غایت‌شناختی اخلاق اسلامی، نقش نیت، پیوند اخلاق با سعادت و قرب الهی، و فراروی از سودمندی صرف یا توافق ارتباطی. نتیجه نهایی آن است که فلسفه اخلاق اسلامی می‌تواند به غنی‌سازی بُعد هنجاری نظریه‌های ارتباطات میان‌فردی یاری رساند و در مقابل، نظریه‌های جدید ارتباطی می‌توانند ابزارهای تحلیلی مناسبی برای بازخوانی کاربردی و اجتماعی اخلاق اسلامی فراهم آورند. بر این اساس، مقاله در پایان الگویی تلفیقی برای «ارتباط میان‌فردی اخلاق‌مدار» پیشنهاد می‌کند که بر پنج محور کرامت، صدق، همدلی، عدالت ارتباطی و مسئولیت استوار است.

واژه‌های کلیدی: فلسفه اخلاق، اخلاق اسلامی، نظریه‌های نوین ارتباطات، ارتباطات میان‌فردی، اصول اخلاقی.

۱. مقدمه

ارتباطات میان فردی یکی از اساسی‌ترین عرصه‌های ظهور و تحقق اخلاق است. انسان نه در خلأ، بلکه در بستر نسبت‌های زبانی، عاطفی، اجتماعی و فرهنگی با دیگران زیست می‌کند و بخش عمده‌ای از فضایل و رذایل اخلاقی نیز در همین مناسبات آشکار می‌شود. راستگویی، خوش‌خلقی، عدالت، احترام، وفاداری، امانت‌داری، همدلی، گذشت، مدارا و مسئولیت‌پذیری، همگی در میدان ارتباط با دیگری معنا می‌یابند. به همین دلیل، هر بحثی درباره اخلاق، ناگزیر نسبتی با ارتباطات انسانی پیدا می‌کند و هر نظریه ارتباطی نیز، آشکارا یا پنهان، حامل نوعی مبنای اخلاقی است.

در سده بیستم و بیست‌ویکم، مطالعات ارتباطات میان فردی به صورت گسترده توسعه یافته و به یکی از حوزه‌های مهم علوم ارتباطات، روان‌شناسی اجتماعی و مطالعات فرهنگی تبدیل شده است. این مطالعات به موضوعاتی مانند شکل‌گیری رابطه، خودافشایی، ادراک متقابل، سوء تفاهم، مذاکره، تعارض، همدلی، اقناع، اعتماد و مدیریت احساسات پرداخته‌اند (گریفین، لدا براز و والدن، ۲۰۱۹). در سوی دیگر، سنت اسلامی از آغاز تاکنون مجموعه‌ای گسترده از آموزه‌های اخلاقی درباره سخن گفتن، شنیدن، معاشرت، نصیحت، دوستی، مناظره، حلم، عفو، پرهیز از غیبت، رعایت حرمت مؤمن، حسن‌ظن، شفقت و عدالت در کلام و رفتار عرضه کرده است (غزالی، ۱۳۸۶؛ نراقی، ۱۳۷۷).

امروزه با پیچیده‌تر شدن روابط انسانی و گسترش بحران‌های ارتباطی نظیر فردگرایی افراطی، زوال اعتماد، خشونت کلامی، فرسایش گفت‌وگو، کالایی شدن رابطه و غلبه ارتباطات سطحی، ضرورت بازاندیشی در بنیان‌های اخلاقی ارتباط بیش از پیش آشکار شده است. در چنین وضعی، پرسش اصلی این است که آیا فلسفه اخلاق اسلامی می‌تواند چارچوبی معتبر برای نقد، تکمیل یا بازسازی نظریه‌های نوین ارتباطات میان فردی فراهم کند؟ و آیا نظریه‌های نوین ارتباطی می‌توانند در فهم عینی‌تر و کاربردی‌تر آموزه‌های اخلاق اسلامی به کار آیند؟

مقاله حاضر در پی پاسخ به این پرسش‌هاست و می‌کوشد از طریق مطالعه تطبیقی میان دو سنت معرفتی، امکان تدوین الگویی برای «ارتباط میان فردی اخلاق مدار» را نشان دهد.

۲. بیان مسئله

مسئله اصلی پژوهش حاضر از یک دوگانگی ظاهری سرچشمه می‌گیرد: از یک سو، نظریه‌های جدید ارتباطات میان فردی غالباً در بستری سکولار، تجربی و توصیفی شکل گرفته‌اند و تمرکز آنها بر تبیین چگونگی تعامل، قواعد شکل‌گیری معنا، فرایندهای ادراکی و رفتاری در رابطه انسانی است. از سوی دیگر، فلسفه اخلاق اسلامی دانشی هنجاری، غایت‌مدار و مبتنی بر مبنای هستی‌شناختی و انسان‌شناختی خاص خویش است که بر چیستی خیر، فضیلت و سعادت تأکید دارد. همین تفاوت در خاستگاه و روش، این پرسش را پدید می‌آورد که نسبت این دو چگونه قابل فهم است.

اگر ارتباط را صرفاً انتقال پیام یا هماهنگی رفتاری بدانیم، شاید اخلاق تنها نقشی حاشیه‌ای در آن داشته باشد؛ اما اگر ارتباط را ساحتی از تحقق انسانیت، برساخت هویت، مواجهه با دیگری و زمینه‌ای برای فعلیت‌یافتن فضایل و رذایل تلقی کنیم، آنگاه اخلاق در مرکز نظریه ارتباط قرار می‌گیرد. در این چارچوب، فلسفه اخلاق اسلامی نه فقط مجموعه‌ای از توصیه‌های رفتاری، بلکه دستگاهی معرفتی برای فهم نسبت انسان با خود، خدا، جهان و دیگری است؛ دستگاهی که می‌تواند مبنایی برای تحلیل ارتباطات انسانی باشد.

در مقابل، بسیاری از نظریه‌های نوین ارتباطات میان‌فردی با وجود غنای توصیفی، در سطح هنجاری دچار نوعی کاستی‌اند. مثلاً نظریه‌های مربوط به افناع، نفوذ اجتماعی یا مدیریت رابطه می‌توانند راهبردهایی مؤثر برای تأثیرگذاری بر دیگران عرضه کنند، اما لزوماً در باب حدود اخلاقی این تأثیرگذاری، کرامت طرف مقابل یا نسبت میان صدق و منفعت سخن روشنی ندارند. از سوی دیگر، سنت اخلاقی اسلامی اگرچه از نظر هنجاری غنی است، اما در مواردی نیازمند بازخوانی مفهومی و پیوند با زبان علوم انسانی جدید برای پاسخگویی به مسائل پیچیده ارتباطی امروز است.

بنابراین مسئله این پژوهش عبارت است از: فلسفه اخلاق اسلامی چه نسبتی با نظریه‌های نوین ارتباطات میان‌فردی دارد و این نسبت چگونه می‌تواند به ارائه الگویی کارآمد و اخلاق‌مدار برای روابط انسانی در جهان معاصر منتهی شود؟

۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

ضرورت این پژوهش را می‌توان در چند سطح توضیح داد:

نخست، در سطح نظری، مطالعات ارتباطات در فضای علمی فارسی غالباً یا به ترجمه و بازگویی نظریه‌های غربی محدود مانده‌اند یا در سوی دیگر، مباحث اخلاق اسلامی بدون پیوند نظام‌مند با نظریه‌های معاصر مطرح شده‌اند. این گسست، مانع شکل‌گیری دانشی بومی و در عین حال گفت‌وگومند می‌شود.

دوم، در سطح اجتماعی، روابط میان‌فردی امروز با چالش‌هایی مانند کاهش اعتماد، افزایش سوءتفاهم، خشونت نمادین و زبانی، گسترش تنهایی، افول مهارت گفت‌وگو و ضعف مسئولیت اخلاقی مواجه است. برای پاسخ به این وضعیت، صرف نظریه‌های فنی ارتباط کافی نیست، بلکه باید مبانی ارزشی و فضیلت‌مدار نیز تقویت شود.

سوم، در سطح فرهنگی و تمدنی، بازخوانی ظرفیت‌های فلسفه اخلاق اسلامی در حوزه ارتباطات می‌تواند به غنی‌سازی علوم انسانی اسلامی و ارائه الگوهایی متناسب با زیست‌جهان جوامع مسلمان کمک کند؛ بی‌آن‌که از دستاوردهای نظریه‌های جدید بی‌نیاز باشد.

چهارم، در سطح کاربردی، حوزه‌هایی مانند مشاوره، آموزش، رسانه، مدیریت، روابط خانوادگی، گفت‌وگوی بین‌فرهنگی و حل تعارض، همه نیازمند الگوهای ارتباطی‌اند که هم کارآمد باشند و هم از نظر اخلاقی معتبر.

۴. اهداف پژوهش

۴-۱. هدف اصلی

تبیین نسبت میان فلسفه اخلاق اسلامی و نظریه‌های نوین ارتباطات میان‌فردی و ارائه چارچوبی تلفیقی برای اخلاق ارتباطی.

۴-۲. اهداف فرعی

۱. استخراج مهم‌ترین مبانی انسان‌شناختی و هنجاری فلسفه اخلاق اسلامی در حوزه رابطه با دیگری.
۲. شناسایی مؤلفه‌های اصلی نظریه‌های نوین ارتباطات میان‌فردی.

۳. تحلیل نقاط اشتراک و افتراق این دو حوزه.
۴. بررسی امکان بهره‌گیری از فلسفه اخلاق اسلامی برای تکمیل بعد هنجاری نظریه‌های ارتباطی.
۵. ارائه الگویی پیشنهادی برای ارتباط میان‌فردی اخلاق‌مدار در فضای معاصر.

۵. پرسش‌های پژوهش

۱. مهم‌ترین مؤلفه‌های فلسفه اخلاق اسلامی در تنظیم ارتباط انسان با دیگری کدام‌اند؟
۲. نظریه‌های نوین ارتباطات میان‌فردی بر چه مبانی انسان‌شناختی و اخلاقی استوارند؟
۳. چه وجوه اشتراک و افتراقی میان فلسفه اخلاق اسلامی و نظریه‌های نوین ارتباطات میان‌فردی وجود دارد؟
۴. چگونه می‌توان از رهگذر گفت‌وگوی این دو حوزه، الگویی کاربردی برای ارتباط اخلاقی ارائه کرد؟

۶. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع نظری و با روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد مطالعه تطبیقی انجام شده است. داده‌ها از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی منابع معتبر فارسی، عربی و انگلیسی گردآوری شده‌اند. در گام نخست، متون کلاسیک و معاصر فلسفه اخلاق اسلامی بررسی و مفاهیم محوری آنها استخراج شده است. در گام دوم، نظریه‌های برجسته ارتباطات میان‌فردی مطالعه و مؤلفه‌های اصلی هر یک مشخص گردیده است. در گام سوم، با تحلیل تطبیقی، نسبت‌های هم‌گرایانه و واگرایانه دو حوزه بررسی شده و در نهایت الگویی تلفیقی پیشنهاد شده است.

۷. پیشینه پژوهش

در فضای علمی ایران، پژوهش‌هایی درباره اخلاق ارتباط، اخلاق گفت‌وگو، اخلاق رسانه و ارتباطات اسلامی صورت گرفته است، اما بخش بزرگی از آنها یا ناظر به اخلاق رسانه‌اند یا به شکل مستقیم به نسبت فلسفه اخلاق اسلامی و نظریه‌های نوین ارتباطات میان‌فردی نپرداخته‌اند. برخی آثار در حوزه اخلاق کاربردی اسلامی، مانند نوشته‌های مصباح یزدی، مهدوی کنی و احمدحسین شریفی، ظرفیت‌های نظری مهمی برای فهم رابطه اخلاق و رفتار اجتماعی فراهم می‌کنند، ولی کمتر در پیوند با نظریه‌های ارتباطی جدید خوانده شده‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۸۱؛ مهدوی کنی، ۱۳۸۷).

در حوزه سنت اسلامی، آثار کلاسیکی چون تهذیب الاخلاق ابن‌مسکویه، احیاء علوم‌الدین غزالی، اخلاق ناصری خواجه نصیرالدین طوسی و جامع السعادات ملا احمد نراقی، مجموعه‌ای غنی از مباحث مربوط به معاشرت، دوستی، آداب سخن، اعتدال، غضب، محبت و عدالت را مطرح کرده‌اند (ابن‌مسکویه، ۱۳۸۱؛ طوسی، ۱۳۶۹؛ نراقی، ۱۳۷۷). در دوره معاصر نیز آثاری درباره اخلاق اجتماعی و فلسفه اخلاق اسلامی در آثار علامه طباطبایی، مطهری، جوادی آملی و سبحانی قابل بررسی است (طباطبایی، ۱۳۷۴؛ مطهری، ۱۳۷۲).

در حوزه خارجی، مطالعات متعددی درباره اخلاق ارتباطات، کنش ارتباطی، نظریه گفت‌وگو و اخلاق مراقبت وجود دارد. یورگن هابرماس با نظریه کنش ارتباطی، بر عقلانیت تفاهمی، اعتبار ادعاهای گفتاری و شرایط ایده‌آل گفت‌وگو تأکید کرده است

(هابرماس، ۱۹۸۴). مارتین بوهر در فلسفه گفت‌وگو، نسبت «من - تو» را هسته مواجهه اصیل انسانی دانسته است (بوهر، ۱۹۷۰). امانوئل لویناس بر تقدم اخلاقی دیگری و مسئولیت نامتقارن نسبت به او تأکید می‌کند (لویناس، ۱۹۶۹). مارشال روزنبرگ نیز در الگوی «ارتباط بدون خشونت»، بر مشاهده بی‌داوری، شناسایی احساسات و نیازها و بیان محترمانه درخواست‌ها تکیه دارد (روزنبرگ، ۲۰۰۳). از سوی دیگر، کتاب‌های مرجع ارتباطات میان‌فردی مانند آثار گریفین، گانگور، وود و کنریش، نظریه‌های متنوع این حوزه را نظام‌مند کرده‌اند (وود، ۲۰۱۶؛ گریفین و همکاران، ۲۰۱۹).

با وجود این، هنوز پژوهشی منسجم که نسبت میان فلسفه اخلاق اسلامی و این نظریه‌ها را به‌طور روشمند بررسی کند، اندک است. از این حیث، مقاله حاضر می‌کوشد خلأ موجود را تا حدی جبران نماید.

۸. مبانی نظری: فلسفه اخلاق اسلامی

فلسفه اخلاق اسلامی را نمی‌توان به یک مکتب واحد فروکاست، زیرا این سنت حاصل تعامل منابع دینی، فلسفه یونانی، حکمت عملی، عرفان و کلام است. با این حال، می‌توان چند محور بنیادین را در آن بازشناخت:

۱-۸. غایت‌مندی اخلاق

در اخلاق اسلامی، رفتار اخلاقی صرفاً برای نظم اجتماعی یا توافق جمعی مطلوب نیست، بلکه در نسبت با سعادت انسانی و کمال نفس معنا پیدا می‌کند. فارابی سعادت را غایت زندگی انسانی می‌داند و فضایل را شرایط رسیدن به آن معرفی می‌کند (فارابی، ۱۳۷۱). ابن‌مسکویه نیز تهذیب نفس و اعتدال قوای انسانی را راه وصول به خیر می‌داند (ابن‌مسکویه، ۱۳۸۱). این غایت‌گرایی سبب می‌شود که ارتباط با دیگری نیز صرفاً ابزاری برای منفعت نباشد، بلکه مجالی برای رشد اخلاقی تلقی شود.

۲-۸. فضیلت‌محوری

در بخش قابل توجهی از اخلاق اسلامی، به‌ویژه در سنت فلسفی، اخلاق بر محور فضایل سامان یافته است: حکمت، شجاعت، عفت و عدالت. بسیاری از صفات ارتباطی مانند خوش‌خلقی، حلم، صدق، تواضع و مدارا، ذیل همین منطق فضیلت‌محور قرار می‌گیرند (طوسی، ۱۳۶۹). از این منظر، کیفیت رابطه انسانی وابسته به ملکات نفسانی عامل است، نه فقط به فنون ارتباطی.

۳-۸. نیت و باطن فعل

یکی از ویژگی‌های مهم اخلاق اسلامی، پیوند ظاهر و باطن فعل است. عملی که در ظاهر مؤدبانه یا مؤثر باشد، اگر مبتنی بر ریا، فریب، تحقیر یا خودنمایی باشد، از ارزش اخلاقی کامل برخوردار نیست. غزالی به تفصیل نشان می‌دهد که نیت، روح عمل است و ارزش اخلاقی آن را تعیین می‌کند (غزالی، ۱۳۸۶). این نکته در ارزیابی نظریه‌های ارتباطی معاصر اهمیت فراوان دارد؛ زیرا ممکن است برخی راهبردهای ارتباطی از نظر کارکردی موفق باشند، اما از حیث نیت و غایت، اخلاقاً مسئله‌دار باشند.

۴-۸. کرامت انسانی

در جهان بینی اسلامی، انسان موجودی برخوردار از کرامت ذاتی و اکتسابی است. قرآن با تعبیر «و لقد کرمنا بنی آدم» بر این منزلت تأکید می‌کند. علامه طباطبایی کرامت را مبنایی برای فهم مسئولیت، آزادی و ارزش انسان می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴). نتیجه ارتباطی این مبنا آن است که دیگری نه ابزار، بلکه صاحب حرمت است و رابطه با او باید بر پایه احترام و عدالت تنظیم شود.

۵-۸. عدالت و اعتدال

عدالت در اخلاق اسلامی تنها یک مفهوم حقوقی نیست، بلکه اصل تنظیم‌کننده روابط و قوای انسانی است. در ارتباطات میان فردی، عدالت به معنای رعایت انصاف، پرهیز از سلطه، حفظ حدود، وفای به حق دیگری و اجتناب از تبعیض در سخن و رفتار است. همچنین فضیلت اعتدال، انسان را از افراط و تفریط در کلام، محبت، خشم، سکوت یا افشاگری بازمی‌دارد (نراقی، ۱۳۷۷).

۶-۸. پیوند اخلاق با حقیقت

در سنت اسلامی، گفتار اخلاقی نمی‌تواند از صدق جدا باشد. راستگویی نه تنها یک قرارداد اجتماعی، بلکه یک تعهد وجودی و دینی است. از این رو، ارتباط مطلوب، ارتباطی است که در آن هم نیت خیر حاضر باشد و هم التزام به حقیقت. این وجه، فلسفه اخلاق اسلامی را از رویکردهایی که ارتباط را صرفاً بر اساس اثربخشی یا رضایت طرفین می‌سنجند، متمایز می‌سازد.

۹. مؤلفه‌های اخلاقی ارتباط در متون اسلامی

اخلاق اسلامی در حوزه ارتباطات میان فردی، تنها در سطح کلیات باقی نمانده و در قرآن، حدیث و متون اخلاقی، گزاره‌های فراوانی درباره شیوه سخن گفتن و تعامل با دیگری آمده است.

۱-۹. قول سدید، قول معروف و قول لین

قرآن در موارد متعدد از الگوهای گفتاری سخن می‌گوید: «قول سدید» به معنای سخن استوار و درست، «قول معروف» به معنای سخن شایسته و پسندیده، و «قول لین» به معنای سخن نرم و ملایم. این تعبیر نشان می‌دهد که در نگاه اسلامی، محتوای سخن، صورت سخن و تأثیر اخلاقی آن، همگی اهمیت دارند.

۲-۹. نهی از تمسخر، غیبت، سوءظن و تجسس

بخش مهمی از اخلاق ارتباطی اسلامی جنبه سلبی دارد؛ یعنی از رفتارهایی نهی می‌کند که بنیان اعتماد و حرمت انسانی را ویران می‌سازند. تمسخر، تحقیر، غیبت، بدگمانی بی‌وجه، سخن‌چینی و تجسس، نمونه‌هایی از این مواردند. از منظر ارتباطی، این آموزه‌ها نوعی «حفاظ اخلاقی» برای زیست جمعی فراهم می‌کنند.

۳-۹. حسن خلق و مدارا

در احادیث و آثار اخلاقی، حسن خلق و مدارا از مهم‌ترین فضایل معاشرت شمرده شده‌اند. مهدوی کنی در تبیین اخلاق عملی، خوش‌رفتاری را شرط پایداری روابط اجتماعی می‌داند (مهدوی کنی، ۱۳۸۷). مدارا نیز به معنای انعطاف‌پذیری اخلاقی در تعامل با تفاوت‌های انسانی است، نه عدول از حقیقت.

۴-۹. نصیحت، امر به معروف و خیرخواهی

در سنت اسلامی، رابطه انسانی صرفاً بر مبنای تحمل دیگری نیست، بلکه خیرخواهی فعال نیز بخشی از آن است. با این حال، این خیرخواهی باید با حکمت، احترام و ملاحظه ظرفیت مخاطب همراه باشد. بنابراین اخلاق ارتباطی اسلامی از یکسو مسئولیت اصلاحی را می‌پذیرد و از سوی دیگر، آن را مقید به آداب اخلاقی می‌داند.

۱۰. نظریه‌های نوین ارتباطات میان‌فردی

نظریه‌های نوین ارتباطات میان‌فردی متنوع‌اند و از زوایای مختلف به رابطه انسانی می‌نگرند. در اینجا به چند رویکرد مهم اشاره می‌شود:

۱-۱۰. نظریه کنش ارتباطی

هابرماس ارتباط را فرایندی می‌داند که در آن کنشگران نه برای سلطه، بلکه برای حصول تفاهم وارد گفت‌وگو می‌شوند. وی بر اعتبار ادعاهای فهم‌پذیری، حقیقت، درستی هنجاری و صداقت تأکید می‌کند (هابرماس، ۱۹۸۴). این نظریه از حیث توجه به صداقت، عقلانیت و پرهیز از تحریف، نقاط تماس مهمی با اخلاق اسلامی دارد.

۲-۱۰. رویکرد گفت‌وگویی

بوبر در فلسفه گفت‌وگو، رابطه اصیل را در قالب «من - تو» در برابر «من - آن» صورت‌بندی می‌کند؛ یعنی دیگری باید به‌مثابه سوژه‌ای زنده و حاضر درک شود، نه شیء یا ابزار (بوبر، ۱۹۷۰). این رویکرد با مفهوم کرامت و حرمت دیگری در اخلاق اسلامی نسبت نزدیکی دارد.

۳-۱۰. نظریه کاهش عدم قطعیت

برگر و کالابرس، در نظریه کاهش عدم قطعیت، نشان می‌دهند که در روابط اولیه، افراد می‌کوشند با کسب اطلاعات درباره یکدیگر، ابهام را کاهش دهند و پیش‌بینی‌پذیری را افزایش دهند. این نظریه اگرچه ماهیتی تجربی دارد، اما برای فهم اهمیت شفافیت، اعتماد و خودافشایی در روابط مفید است.

۴-۱۰. نظریه نفوذ اجتماعی و خودافشایی

آلتمن و تیلور در نظریه نفوذ اجتماعی، رشد رابطه را به فرایند تدریجی خودافشایی و تعمیق لایه‌های شخصیتی پیوند می‌زنند. از منظر اخلاق اسلامی، این بحث با مسئله حفظ حریم، صداقت، امانت‌داری و تناسب در افشای امور شخصی قابل گفت‌وگوست.

۵-۱۰. اخلاق مراقبت

کارول گیلیگان و نل نادینگر، با نقد اخلاق صرفاً قاعده‌محور، بر اهمیت رابطه، مراقبت، پاسخ‌گویی عاطفی و توجه به بافت انسانی تصمیم‌های اخلاقی تأکید می‌کنند (نادینگر، ۱۹۸۴). این رویکرد از حیث توجه به شفقت و مسئولیت نسبت به دیگری، می‌تواند با مفاهیمی چون رحمت، احسان و شفقت در سنت اسلامی مقایسه شود.

۶-۱۰. ارتباط بدون خشونت

مارشال روزنبرگ الگویی ارائه می‌کند که بر مشاهده بدون قضاوت، بیان احساسات، شناسایی نیازها و طرح درخواست روشن و غیرخشونت‌آمیز استوار است (روزنبرگ، ۲۰۰۳). این مدل در حوزه مهارت‌های ارتباطی کاربرد فراوان یافته و از حیث پرهیز از تحقیر، اتهام و خشونت کلامی، با اخلاق اسلامی قابل جمع است.

۷-۱۰. نظریه‌های انتقادی ارتباط

برخی نظریه‌های معاصر بر این نکته تأکید دارند که ارتباطات همیشه در بستر قدرت رخ می‌دهد و زبان می‌تواند ابزار سلطه، حذف یا بازتولید نابرابری باشد. این توجه به بُعد قدرت، برای تکمیل نگاه‌های خوش‌بینانه به گفت‌وگو ضروری است. در اخلاق اسلامی نیز عدالت، نهی از ظلم و رعایت حق دیگری می‌تواند مبنایی برای نقد سلطه ارتباطی باشد.

۱۱. نسبت‌سنجی تطبیقی: نقاط اشتراک**۱-۱۱. تأکید بر کرامت و حرمت دیگری**

بسیاری از رویکردهای نوین، به‌ویژه فلسفه گفت‌وگو و اخلاق مراقبت، بر این نکته تأکید می‌کنند که رابطه اصیل زمانی شکل می‌گیرد که دیگری نه ابزار، بلکه موجودی واجد ارزش درک شود. این مضمون با مفهوم کرامت ذاتی انسان در اسلام هم‌خوانی فراوان دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴).

۲-۱۱. اهمیت صداقت و اصالت

هابرماس صداقت را یکی از ادعاهای اعتبار‌گفتار می‌داند و نظریه‌های مبتنی بر خودافشایی نیز بر اصالت در رابطه تأکید می‌کنند. در اخلاق اسلامی نیز صدق از بنیادی‌ترین فضایل است و بدون آن اعتماد و عدالت فرو می‌ریزد (غزالی، ۱۳۸۶).

۱۱-۳. نقش اعتماد در پایداری رابطه

ارتباطات میان فردی بدون اعتماد به سرعت فرومی‌پاشد. نظریه‌های ارتباطی جدید اعتماد را شرط تعمیق رابطه می‌دانند. در اخلاق اسلامی نیز امانت و وفای به عهد مبانی شکل‌گیری اعتماد اجتماعی‌اند (نراقی، ۱۳۷۷).

۱۱-۴. پرهیز از خشونت ارتباطی

چه در ارتباط بدون خشونت و چه در اخلاق اسلامی، پرهیز از زبان تحقیرآمیز، اتهام‌زننده و طردکننده مورد تأکید است. قرآن نیز از سخن نرم، شایسته و استوار سخن می‌گوید و از تمسخر و قول زشت نهی می‌کند.

۱۱-۵. مسئولیت نسبت به دیگری

لویناس مسئولیت نسبت به دیگری را پیش از هر قرارداد و محاسبه‌ای قرار می‌دهد. در اسلام نیز انسان در برابر دیگران مسئول است و بی‌تفاوتی اخلاقی پذیرفته نیست. این مسئولیت در قالب نصیحت، احسان، عدالت و رعایت حق الناس بروز می‌یابد.

۱۲. نقاط افتراق و تمایز

۱۲-۱. تفاوت در مبنای غایت‌شناختی

بسیاری از نظریه‌های نوین ارتباطات، غایت را در تفاهم، رضایت، کاهش تعارض یا کارآمدی رابطه می‌بینند، اما اخلاق اسلامی این اهداف را ذیل غایتی برتر یعنی کمال انسانی و قرب الهی قرار می‌دهد. بنابراین ارزش ارتباط تنها با موفقیت تعاملی سنجیده نمی‌شود.

۱۲-۲. نقش نیت

در نظریه‌های تجربی ارتباطات، نیت معمولاً یا قابل سنجش تجربی نیست یا در حاشیه قرار می‌گیرد؛ حال آن‌که در اخلاق اسلامی، نیت تعیین‌کننده ارزش فعل است. ممکن است دو کنش ارتباطی از نظر ظاهری مشابه باشند، اما به سبب تفاوت نیت، از نظر اخلاقی یکسان نباشند.

۱۲-۳. نسبت با حقیقت

در برخی رویکردهای معاصر، حفظ رابطه یا کاهش تنش ممکن است بر بیان حقیقت اولویت یابد، اما در اخلاق اسلامی رابطه مطلوب نمی‌تواند بر مبنای فریب یا کتمان غیرموجه حقیقت شکل گیرد. البته این به معنای بی‌ملاحظگی در بیان نیست، بلکه به پیوند اخلاق با صدق اشاره دارد.

۱۲-۴. فردگرایی و خودبنیادی

بخشی از نظریه‌های مدرن، به‌ویژه در بستر فرهنگ لیبرال، بر خودمختاری فردی تأکید فراوان دارند. در حالی که اخلاق اسلامی، ضمن پذیرش مسئولیت فرد، انسان را در شبکه‌ای از تعهدات الهی، اجتماعی و خانوادگی قرار می‌دهد. این تفاوت بر تفسیر آزادی در ارتباطات نیز اثر می‌گذارد.

۱۲-۵. جایگاه فضیلت در برابر تکنیک

بسیاری از نظریه‌های ارتباطی معاصر در قالب مهارت و تکنیک عرضه می‌شوند: چگونه گوش دهیم، چگونه تعارض را مدیریت کنیم، چگونه اقناع کنیم. اما اخلاق اسلامی بر این نکته تأکید می‌کند که بدون اصلاح درون و تهذیب نفس، تکنیک‌های ارتباطی می‌توانند به ابزار فریب یا سلطه تبدیل شوند. از این رو، فضیلت بر مهارت تقدم دارد، هرچند مهارت نیز مهم است.

۱۳. تحلیل انتقادی

نتایج تطبیق نشان می‌دهد که فلسفه اخلاق اسلامی می‌تواند سه نوع کمبود را در نظریه‌های نوین ارتباطات میان‌فردی جبران کند:

نخست، کمبود هنجاری. برخی نظریه‌ها در توصیف سازوکارهای ارتباطی موفق‌اند، اما درباره اینکه کدام شکل از ارتباط اخلاقاً برتر است، سخن کافی ندارند. فلسفه اخلاق اسلامی با تأکید بر صدق، عدالت، کرامت، نیت و مسئولیت، این خلأ را پر می‌کند.

دوم، کمبود غایت‌شناختی. در حالی که بخش مهمی از نظریه‌های جدید در سطح کارآمدی یا توافق باقی می‌مانند، اخلاق اسلامی افق غایی تری برای ارتباط ترسیم می‌کند: رشد انسان، تزکیه نفس و تحقق خیر.

سوم، کمبود شخصیت‌محور. نظریه‌های فنی معمولاً بر رفتار قابل مشاهده تمرکز دارند، اما اخلاق اسلامی یادآور می‌شود که رفتار اخلاقی پایدار از شخصیت فضیلت‌مند برمی‌خیزد.

در مقابل، نظریه‌های نوین ارتباطی نیز می‌توانند به اخلاق اسلامی در سه زمینه یاری رسانند:

نخست، عملیاتی‌سازی مفاهیم اخلاقی. مثلاً می‌توان نشان داد که فضیلت صدق در چه الگوهای گفت‌وگویی، چه شکل‌های گوش دادن و چه سازوکارهای حل تعارض تجلی می‌یابد.

دوم، تحلیل موقعیت‌های پیچیده ارتباطی. روابط امروز، به‌ویژه در محیط‌های سازمانی، آموزشی و رسانه‌ای، پیچیده‌تر از آن‌اند که تنها با توصیه‌های کلی اخلاقی اداره شوند. نظریه‌های معاصر ابزار تحلیلی مناسبی برای فهم این پیچیدگی‌ها در اختیار می‌گذارند.

سوم، زبان بینارشته‌ای. برای حضور مؤثر اخلاق اسلامی در فضای علمی جهانی، لازم است مفاهیم آن در گفت‌وگو با علوم ارتباطات بازخوانی شوند.

۱۴. الگوی پیشنهادی: ارتباط میان فردی اخلاق مدار در پرتو فلسفه اخلاق اسلامی

بر اساس مباحث پیش گفته، می توان الگویی تلفیقی برای ارتباط میان فردی اخلاق مدار پیشنهاد کرد که بر پنج رکن استوار است:

۱-۱۴. کرامت محوری

دیگری باید همواره به مثابه شخصی واجد حرمت، حقوق و شأن دیده شود. این اصل، هرگونه تحقیر، دستکاری روانی، شیء انگاری و سوءاستفاده ارتباطی را نفی می کند.

۲-۱۴. صدق و شفافیت مسئولانه

رابطه اخلاقی بر دروغ، ابهام سازی عمدی و فریب استوار نمی شود. در عین حال، صدق باید با حکمت، رعایت بافت موقعیت و حفظ حرمت دیگری همراه باشد.

۳-۱۴. همدلی و مراقبت

فهم احساسات، نیازها و موقعیت وجودی دیگری، شرط ضروری ارتباط اخلاقی است. این همدلی نه به معنای حذف حقیقت، بلکه به معنای توجه به انسان مخاطب است.

۴-۱۴. عدالت ارتباطی

عدالت ارتباطی به معنای توزیع متوازن فرصت سخن گفتن، شنیده شدن، رعایت انصاف، پرهیز از سلطه زبانی و توجه به عدم تقارن های قدرت است.

۵-۱۴. مسئولیت و نیت اخلاقی

کنشگر ارتباطی باید نه فقط به پیامدهای سخن خود، بلکه به نیت، انگیزه و اثر آن بر شخصیت خویش و دیگری توجه کند. این اصل، اخلاق ارتباط را از سطح تکنیک به سطح خودسازی ارتقا می دهد.

این الگو می تواند در آموزش مهارت های زندگی، مشاوره خانواده، مدیریت سازمانی، تعلیم و تربیت، گفت و گوی بین فرهنگی و حتی ارتباطات حرفه ای به کار گرفته شود.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نسبت میان فلسفه اخلاق اسلامی و نظریه های نوین ارتباطات میان فردی انجام شد. یافته ها نشان داد که میان این دو حوزه، با وجود تفاوت در خاستگاه و روش، هم پوشانی های مهمی وجود دارد. هر دو بر اهمیت دیگری، نقش اعتماد، لزوم صداقت، ضرورت کاهش خشونت و مسئولیت پذیری در رابطه تأکید دارند. با این حال، فلسفه اخلاق اسلامی

به سبب غایت‌مندی، فضیلت‌محوری، تأکید بر نیت و پیوند اخلاق با حقیقت، افقی عمیق‌تر و هنجاری‌تر برای فهم ارتباط انسانی فراهم می‌آورد.

در عین حال، نظریه‌های نوین ارتباطات میان‌فردی نیز به واسطه ابزارهای تحلیلی، زبان مفهومی و توجه به سازوکارهای واقعی تعامل، امکان بازخوانی کاربردی‌تر و عینی‌تر اخلاق اسلامی را فراهم می‌سازند. از این‌رو، نسبت این دو را نباید صرفاً تقابلی دانست، بلکه می‌توان آن را نسبتی تکمیلی و گفت‌وگویی تلقی کرد.

بر این اساس، مقاله نشان داد که امکان تدوین الگویی برای «ارتباط میان‌فردی اخلاق مدار» وجود دارد؛ الگویی که بر کرامت، صدق، همدلی، عدالت ارتباطی و مسئولیت استوار است. چنین الگویی می‌تواند در مواجهه با بحران‌های ارتباطی جهان معاصر، سهمی مؤثر در بازسازی روابط انسانی و ارتقای کیفیت اخلاقی زندگی اجتماعی داشته باشد.

منابع

- ابن مسکویه، احمد بن محمد. (۱۳۸۱). *تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق*. ترجمه و شرح سیدابوالقاسم امامی. تهران: علمی و فرهنگی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طوسی، خواجه نصیرالدین. (۱۳۶۹). *اخلاق ناصری*. تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری. تهران: خوارزمی.
- فارابی، ابونصر. (۱۳۷۱). *تحصیل السعاده*. ترجمه حسین خدیوچم. تهران: دانشگاه تهران.
- غزالی، ابوحامد محمد. (۱۳۸۶). *احیاء علوم الدین*. ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی. تهران: علمی و فرهنگی.
- مهدوی کنی، محمدرضا. (۱۳۸۷). *نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۱). *فلسفه اخلاق*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲). *فلسفه اخلاق*. تهران: صدرا.
- نراقی، ملا احمد. (۱۳۷۷). *جامع السعادات*. قم: انتشارات هجرت.
- شریفی، احمدحسین. (۱۳۹۰). *درآمدی بر فلسفه اخلاق*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- Berger, Charles R., & Calabrese, Richard J. (۱۹۷۵). "Some Explorations in Initial Interaction and Beyond: Toward a Developmental Theory of Interpersonal Communication." *Human Communication Research*, ۱(۲), ۹۹-۱۱۲.
- Buber, Martin. (۱۹۷۰). *I and Thou*. Trans. Walter Kaufmann. New York: Charles Scribner's Sons.
- Griffin, Em, Ledbetter, Andrew, & Sparks, Glenn. (۲۰۱۹). *A First Look at Communication Theory*. ۱st ed. New York: McGraw-Hill.
- Habermas, Jürgen. (۱۹۸۴). *The Theory of Communicative Action, Vol. 1: Reason and the Rationalization of Society*. Trans. Thomas McCarthy. Boston: Beacon Press.
- Kaye, Michael. (۱۹۹۴). *Communication Management*. Sydney: Prentice Hall.
- Kunczik, Michael. (۱۹۹۷). *Images of Nations and International Public Relations*. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Levinas, Emmanuel. (۱۹۶۹). *Totality and Infinity: An Essay on Exteriority*. Trans. Alphonso Lingis. Pittsburgh: Duquesne University Press.

- Noddings, Nel. (۱۹۸۴). *Caring: A Feminine Approach to Ethics and Moral Education*. Berkeley: University of California Press.
- Rosenberg, Marshall B. (۲۰۰۳). *Nonviolent Communication: A Language of Life*. Encinitas, CA: PuddleDancer Press.
- Wood, Julia T. (۲۰۱۶). *Interpersonal Communication: Everyday Encounters*. ۸th ed. Boston: Cengage.